



تاریخ روز : ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۰۲ تیر ۱۳۹۵

عنوان : سخن علی(ع) با کمیل بن زیاد(2)

«بسمه تعالی»

سخن علی(ع) با کمیل بن زیاد(2)

موج اندوه‌ها و راز و ناز علی(ع)

علی(ع) هجرت کرد، کمیل را رها نمود، مقداری از زمان گذشت. آنگونه هوا و جَوّش ظلمانی بود که هیچ چهره چهره‌ای را نمی‌دید....

کمیل بن زیاد با خویش به وسوسه افتاد که نکند مولایم در این ظلمات ظلمات از شب حادثه‌ای گیرد و دشمنی در کمینش باشد، ضربه‌ای به او نهد، گو این‌که بر آن بودم خط را نشکنم، این پیمان من بود اما شتاب به سوی معشوق عشق سوزان من است و عشق سوزان همه چیز را می‌درد تا به هدف رود.

در هر حال کمیل خط را شکست و مقداری که راه را طی کرد، زمزمه‌ای شنید، به سوی زمزمه آمد، دریافت علی(ع) مقداری از خاک زمین را با کف دستش شکافته است و سر را به سوی خاک‌ها فرو برده، گفته‌هایی بس آتشین دارد که زمزمه می‌کند. کمیل برگشت بیشتر به سوی علی(ع) شد، علی(ع) هم به عنایت به سوی کمیل نگرست.

فرمود: کمیل، چرا خط را شکستی؟!

عرضه داشت مولا، از شور و شوق تو به پیمان نماندم. بیمم بر آن بود نکند از دشمنان بر شما ضربه‌ای آید.

فرمود: کمیل، آرام باش. تا او نخواهد و قضا و قدرش فرمان صادر نکند، بن‌ملجم نخواهد آمد!

عرضه داشتم: مولا، با خاک چه می‌گفتی؟

فرمودند: و فی الصدر لُباناتٌ إذا ضاقت لها صدری، نکت الارض بالکفّ و الاپدی.

هرآن‌گاه موج اندوه‌ها در دل علی(ع) فراوان به خیزشند، یاری ندارد که دردش را با او بگوید و بریزد. با کف دست خویش خاک را کاوش می‌کنم و دردم را با خاک می‌گویم. تا ابد پوشیده بماند!

این یک دید است که امور سه‌گانه را بیان نمودند و ما با بیانی دیگر این‌گونه می‌گوییم:

جهان سه دوره دارد :

1) دوره افسانه و شعری. که در این دوره یاهوها و افسانه‌ها شعرها فراوانند. هرگاه ببابند که جهان، جهان شعر است، جهان یاهو است، جهان قصه سرایی است یعنی جهانی که طرفداران قصه‌اند، جهانی که طرفداران شعر و یاهو‌اند، آن دوره نه آغازش، نه انجامش بها خواهد داشت. بلکه زمان چون شعر بیهوده خواهد گذشت این یک دوره است. حالا این دوره چقدر به طول انجامد، لاحد است.

2) دوره دوم، دوره شهوت و خشم و خونریزی و آدم کشی است. یعنی هر قدرت و هر توانگر به جای این‌که فکر اصلاحی را انتخاب کند، به فکر خونریزی و جنایت و سرعت‌طلبی و سرکشی هست. در آن دوره هم مردمانش به یکدگر سرکشند. هر کس آن چه توان داشته باشد، در پوچ‌گرایی کوتاهی نخواهد نمود. «الناس بزمانهم أشبه من آبائهم» مردم به زمانشان شبیه‌تر از پدر و مادرشان هستند. این دو دوره.

3) و دوره سوم، دوره حکومت عقلی و عدالت جهانی است. در اینجا هست که جهان، جهان آرامش است، جهان محبت است، جهانی است که هر کس به سهم خویش رسد و نام این دوران دوران معرفت، دوران بلوغ، دوران گرفت عین خود و دوران شکوفایی فلسفه و حکمت و عرفان و واقعیت‌هاست و دورانی است که هر کس در این دوران زندگی کند، زیباترین و پرموج‌ترین عظمت خویش را یافته است. بسیاری گویند پیدایش این دوران، دوران مهدی موعود(عج) است.

